

تحلیل سیاسی هفته (۲۸) لیبی پس از مرگ قذافی

نام دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۲۰۱۴

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۸/۲

مقدمه

کشته شدن سرهنگ معمر قذافی به دست انقلابیون لیبیایی در روز پنجشنبه در آخرین مرحله از درگیری نظامی در شهر سرت، زادگاه وی دوران تازه‌ای از تحولات سیاسی - تاریخی را در این کشور، شکل داد. در طول انقلاب هفت‌ماهه مردم لیبی علیه رژیم قذافی، براساس گفته‌های مقامات شورای انتقالی این کشور حدود ۵۰ هزار تن از مردم، مخالفان و نیروهای دولت انتقالی جان خود را از دست دادند. مرگ وی هرچند باعث خوشحالی مردم لیبی، مسلمانان جهان، به‌خصوص استقبال مقامات ایران از این رویداد به دلیل نقش و دستور وی برای ربودن و به احتمال زیاد شهادت امام موسی صدر، شده است.

کشته شدن قذافی، سؤالات و مباحث گوناگونی را در لیبی پس از وی به وجود آورده است. با مرگ قذافی، تحولات داخلی و خارجی این کشور، سمت و سوی تازه‌ای به خود خواهد گرفت، مرگ قذافی آن هم پس از دستگیری او، سؤالات بسیاری را پیرامون دلایل و چگونگی آن به وجود آورده است که پاسخ به آن بسیار سخت خواهد بود، اما مرگ او را در چند زمینه می‌توان مورد ارزیابی قرار داد:

بُعد داخلی

۱. مرگ قذافی و تصرف کامل لیبی توسط نیروهای شورای انتقالی، عملاً به جنگ هفت‌ماهه در این کشور پایان داد، اما این به معنی پایان درگیری‌ها و ناآرامی در این کشور نیست. با توجه به این موضوع که فرزندان تأثیرگذار وی در درگیری‌های اخیر کشته شده و بسیاری از سران رژیم او نیز دستگیر شده یا به هلاکت رسیده‌اند. اما مرگ وی، به تنهایی عاملی بازدارنده در آینده سیاسی این کشور نخواهد بود. بازماندگان و طرفداران وی که بیشتر در قبایل حاضر در مناطق مرکزی لیبی قدرت دارند، تا آخرین لحظه در کنار وی جنگیدند و از این رو، این انتظار که در آینده سیاسی لیبی ممکن است جریان طرفدار وی به قدرت برسد، بسیار محتمل است.

۲. نحوه مرگ قذافی همچنان سؤال برانگیز است. کشته شدن او پس از دستگیری علیرغم آنکه بر آلام مردم لیبی مرهمی گذاشت، اما از بین رفتن وی که گنجینه اسرار این کشور و معمار تجدید رابطه با قدرت‌های غربی بود همچنان سؤال برانگیز است. قذافی در یک دهه آخر حکومت خود به صورت کامل متحد کشورهای غربی بود و در این اتحاد بقای خود و تداوم قدرت در میان فرزندان او را می‌دید، بنابراین جریان‌های اسلامگرا که خواستار کم کردن دامنه حضور و نفوذ غرب در کشور خود بوده و هستند، به این اطلاعات نیاز داشته و از این رو دستگیری وی بسیار بهتر از کشتن او بود، با این توصیف می‌توان گفت جریان‌های خاص در میان انقلابیون و یا نزدیکان خود قذافی اقدام به حذف وی کردند.

۳. مرگ قذافی، هرچند باعث پایان دادن به جنگ هفت‌ماهه در لیبی شد، اما در بطن خود جنگ تازه‌ای را شروع می‌کند که سه ضلع اساسی دارد؛ اسلامگراها، لیبرال‌ها و سران قدرتمند قبایل. هر یک از این سه گروه هم در درون خود جریان‌های متعددی را جای داده‌اند که در رقابت درون‌جریانی درصدد رسیدن به قدرت می‌باشند. جریان اسلامگرا که پیوند نزدیکی هم با رهبران قبایل لیبی دارد، از این ظرفیت برخوردار است که بتواند آینده کشور را در اختیار گرفته و استقلال لیبی را تضمین کند، اما جریان لیبرال که فردی مانند محمود جبرئیل به همراه برخی از تکنوکرات‌های بازمانده از رژیم قذافی که هم‌اکنون در شورای انتقالی حضور دارند، هدایت آن را برعهده دارند، همه تلاش خود را برای حذف جریان اسلامگرا

صورت داده و در این مسیر از همراهی و همگامی آمریکا و اروپا برخوردار هستند. بنابراین در آینده سیاسی لیبی و حتی در تصویب قانون اساسی این کشور، رقابت‌های بسیاری میان این سه گروه برای رسیدن به قدرت در جریان خواهد بود.

۴. موقعیت محمود جبرئیل به‌عنوان نخست‌وزیر دولت انتقالی در شرایط فعلی بسیار مهم ارزیابی می‌شود. جریان‌های اسلامگرا بارها خواستار کناره‌گیری وی از قدرت و عدم مشارکت وی در دولت آینده شده‌اند. وی که پس از سال‌ها مسئولیت دیپلماتیک در کشورهای مصر، عربستان، امارات، کویت، بحرین، مغرب، تونس و ترکیه، چهار سال پیش توسط قذافی به ریاست «سیاست‌های بازسازی و خصوصی‌سازی برای توسعه اقتصادی» گمارده شد، وی براساس اسناد موجود، حداقل از ۱۰ سال قبل با مقامات و مراکز اطلاعاتی و سیاسی آمریکا در ارتباط بوده و به‌صورت رابط قذافی و آمریکایی‌ها عمل می‌کرده است. اینک نیروهای نظیر شلقم، کوسه و جبریل پس از سقوط قذافی با این ادعا که غرب در سقوط قذافی در کنار مردم قرار داشت، جاده صاف‌کن سلطه مجدد غرب بر لیبی شده و می‌گویند در قراردادهای برای ساخت زیربنای ویران شده لیبی، شرکت‌های غربی باید در اولویت قرار بگیرند و این درحالی است که این زیربناها توسط خود غرب ویران شده است.

بُعد منطقه‌ای

۱. نکته مهم دیگر که تحت تأثیر مرگ قذافی به آن باید پرداخت، تأثیر این مرگ بر انقلاب‌های عربی اخیر در منطقه است. از یک‌سو کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا در حال سوءاستفاده تبلیغاتی از آن بر علیه رهبران برخی کشورهای عربی به‌خصوص سوریه است تا جایی که برخی از مقامات آمریکایی در تهدیدی مستقیم می‌گویند پس از قذافی نوبت به بشار اسد است. با این وجود مرگ قذافی تأثیرات مهم و مستقیمی در کشورهایمانند یمن، بحرین، اردن و حتی مصر داشته است. مرگ وی علیرغم جنگیدن تا آخرین لحظه به باور نیروهای انقلابی این باور را به‌وجود آورده است که به هر حال نتیجه هرگونه مقاومت در برابر اراده مردمی، سرنوشت قذافی خواهد بود. در پس از مرگ قذافی، شورای امنیت به سراغ یمن و علی‌عبدالله صالح رفت. به‌نظر می‌رسد مرگ قذافی بیش از آنکه باید ترمزی باشد بر توقف انقلاب‌ها، باید موتور محرکه آنها در راستای تداوم بیداری اسلامی باشد.

۲. در بُعد منطقه‌ای باید به تأثیرگذاری مرگ قذافی بر تحولات شمال آفریقا اشاره کرد. قذافی در سودان، چاد، الجزایر و حتی مسئله صحرای غربی دخیل بود و از این‌رو پس از مرگ وی و پایان رژیم ۴۲ ساله‌اش، در روابط منطقه‌ای در شمال آفریقا تغییرات اساسی روی خواهد داد. مراکش در این مورد پیشقدم شده تا با نزدیکی به شورای انتقالی و به رسمیت شناختن زود هنگام آن الجزایر را منزوی کند، این موضوع زمانی اهمیت خود را پیدا می‌کند که مراکش درصدد اشغال صحرای غربی بوده و با الجزایر و موریتانی در این مورد اختلافات عمده‌ای دارد.

۳. قذافی در سودان و جدایی جنوب این کشور از شمال و همچنین درگیری‌ها در منطقه دارفور نقش منفی ایفا کرد. وی از طرفداران سرسخت جدایی جنوب سودان و حتی دارفور از پیکره این کشور و یکی از عمده‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح برای گروه‌های مسلح در این منطقه بود. بنابراین مرگ وی می‌تواند آرامش بیشتری را در این منطقه به‌خصوص سودان باعث شود. وی بر این باور بود هرچه تعداد کشورهای آفریقایی بیشتر باشد، حضور آنها در سازمان‌های بین‌المللی نیز پررنگ‌تر خواهد بود.

۴. اگر قاره آفریقا را به‌مثابه یک منطقه فرض کنیم و اتحادیه آفریقا را بزرگ‌ترین نهاد موجود در آن، رفتن قذافی با توجه به روابط نزدیک و ویژه‌ای که با برخی از رهبران این کشورها داشت در آینده سیاسی این اتحادیه نقش مهمی خواهد

داشت. قذافی از طرفداران سرسخت عمل‌گرایی در این اتحادیه و رهبری بر آن بود. نبود او از یکسو شکاف‌ها را کمتر می‌کند اما مشخص نیست که تا چه اندازه بر موجودیت این اتحادیه تأثیرگذار باشد.

۵. در منطقه عربی به‌خصوص مسئله فلسطین، با توجه به قرار گرفتن قذافی در مسیر بازی غرب در طول یک دهه گذشته، به‌نظر می‌رسد نبود او به نفع فلسطین و مسئله آزادی سرزمین‌های اشغالی تمام شود. سیاست نامشخص وی در قبال مسئله فلسطین حتی باعث سردرگمی رهبران جنبش‌ها و جریان‌های فلسطینی شده بود.

۶. قذافی و رژیم تحت رهبری وی رقابت‌های سنگین و همه‌جانبه‌ای با عربستان سعودی داشت. رقابت‌های این دو کشور در عرصه اتحادیه عرب که تا سازمان همکاری اسلامی نیز کشیده می‌شد، عدم انسجام و همگرایی میان اعراب را باعث شده بود. در این مورد می‌توان گفت مرگ وی، عرصه برای خودنمایی بیشتر عربستان و دیگر نظام‌های پادشاهی فراهم کرده است.

بُعد بین‌المللی

۱. نکته مهم پس از مرگ قذافی، آینده حضور نیروهای ناتو در این کشور است. پیش از این لئون پانتا وزیر دفاع آمریکا در اظهارنظری گفته بود زمان پایان عملیات نظامی ناتو در لیبی، عدم توانایی سرهنگ قذافی برای دست زدن به هرگونه عملیات نظامی و یا هدایت آن است. اما آندرسن راسموسن دبیرکل این پیمان نظامی پس از اعلام خبر مرگ قذافی تنها به گفتن این نکته بسنده کرد که در آینده عملیات ناتو در لیبی متوقف خواهد شد و زمانی به این منظور در نظر نگرفت. باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا نیز در سخنانی که پس از مرگ قذافی ایراد کرد، به زمان پایان عملیات ناتو در لیبی اشاره‌ای نداشت که این مسئله به نوبه خود از برخی ابهامات در انگیزه‌ها و اهداف تداوم حضور ناتو در آسمان لیبی می‌افزاید. هرچند روز شنبه برخی از منابع آگاه در مقر ناتو در بروکسل اعلام کردند که ممکن است عملیات هوایی ناتو بر فراز لیبی ۳۱ ماه اکتبر - ۱۰ آبان‌ماه - پایان بیابد.

۲. شورای انتقالی لیبی پس از تصرف طرابلس به دست شاخه نظامی خود از شورای امنیت درخواست کرد تا از قطعنامه صادر شده علیه این کشور که براساس فصل هفت منشور ملل متحد بود، برداشته شده و دست دولت جدید برای دسترسی به منابع مادی و معنوی باقیمانده از قذافی باز شود. این درخواست در آن زمان به بهانه زنده بودن قذافی - علیرغم پایان سلطه واقعی وی بر لیبی - نادیده گرفته شد، اما در شرایط فعلی که لیبی به‌صورت کامل به تصرف شورای انتقالی درآمده و قذافی و بسیاری از سران رژیم وی کشته شده‌اند، باقی ماندن لیبی تحت این فصل همچنان محل سؤال است.

۳. هرچند لیبی در چارچوب پیمان ناتو محل حضور کشورهای اروپایی و آمریکاست و همکاری مشترک آنها سرنگونی قذافی را رقم زد، اما مرگ قذافی رقابت‌های اروپا و آمریکا در لیبی را افزایش خواهد داد. این رقابت‌ها پیش از آنکه سیاسی باشد، اقتصادی است. نفت مرغوب لیبی و نزدیکی آن به بازارهای اروپا باعث حضور بیشتر شرکت‌های اروپایی در صنعت انرژی لیبی پیش و پس از جنگ شده بود، کمالینکه در این مورد نباید نقش چین و روسیه به‌عنوان سرمایه‌گذاران عمده در صنعت و تسلیحات لیبی را نادیده گرفت. بنابراین در عرصه بین‌المللی کشورهای غربی و شرقی علاوه بر رقابت‌های دورن‌بلوکی، رقابت‌هایی هم با نفوذ کشورهایمانند قطر خواهند داشت که تلاش دارد با استفاده از توان رسانه‌ای و اقتصادی خود در لیبی جای پای خود باز کند.

۴. نکته‌ای که در حذف قذافی به‌نظر می‌رسد قابل طرح و پیگیری است؛ این موضوع می‌باشد که آیا ناتو پیش از این نمی‌توانست قذافی را هدف قرار داده و به هلاکت برساند؛ سؤال مطرح در این مورد را می‌توان به آشفتگی اقتصادی غرب و جنبش وال‌استریت دید که مقامات کاخ سفید را به چاره‌جویی واداشته و با توجه به سابقه اقدامات سران آمریکا

در عوض کردن کانال رسانه‌ای با استفاده از یک رویداد ویژه، در شرایط فعلی اقدام به کشتن قذافی برای تحت‌الشعاع قرار دادن تحولات داخلی خود کند. این موضوع هنگامی محتمل‌تر است که در نظر داشته باشیم پیش از این اخباری در مورد حضور برخی از نیروهای ویژه ارتش انگلیس برای یافتن قذافی پس از فرار از طرابلس در لیبی منتشر شده بود. البته در این مورد نمی‌توان نقش و قدرت تکنوکرات‌های غرب‌گرا در شورای انتقالی لیبی را نادیده گرفت. در این مورد می‌توان به موضوع اتهام‌زنی به ایران هم اشاره کرد که خود دلیلی است بر یک نبرد تبلیغاتی هدایت شده توسط آمریکا برای پوشاندن اعتراضات و الاستریت و بحران مالی این کشور.

نتیجه‌گیری

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت سرنگونی قذافی باعث روی آوردن کشورهای غربی به یک سیاست چندوجهی در لیبی شده است. این کشورها از یک‌سو در تلاش هستند گذشته روابط خود با قذافی را با تبلیغات گسترده و تأکید بر مشارکت در سرنگونی و مرگ وی به بوته فراموشی سپرده و از سوی دیگر سعی دارند تا با استفاده از نیروهای طرفدار خود در ساختار شورای انقلابی لیبی، همچنان به سطح نفوذ خود به دوران قذافی برسند. در این میان مقامات آمریکایی تلاش دارند برخی از پرونده‌های مختومه را همچنان باز نگه دارند. در دیدار هفته گذشته هیلاری کلینتون با محمود جبرئیل نخست‌وزیر شورای انتقالی، وی با بیان این موضوع که پرونده سقوط هواپیمای شرکت پان‌آمریکن بر فراز لاکربی همچنان باز است، به شورای انتقالی یادآوری کرد واشنگتن در صورت عدم همراهی طرابلس با سیاست‌های واشنگتن، مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

با توجه به موارد گفته شده در بالا، تأثیرات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مرگ قذافی به اندازه خود قابل توجه است، اما لیبی بدون قذافی به مراتب برای جهان اسلام و جریان بیداری اسلامی بسیار خوشایند و پیش‌برنده است. نبود قذافی - با توجه به وابستگی به غرب و رفتارهای ضداسلامی وی - فرصت مناسبی است تا جریان‌های اسلام‌گرا - که در تونس و مصر دو همسایه لیبی موقعیت مناسبی دارند - قدرت را به دست گرفته و همگرایی بیشتر را در جهان اسلام موجب خواهد شد. به عبارت دیگر، لیبی بدون قذافی، جهان اسلام را اسلامی‌تر خواهد کرد و همین موضوع ترس و واکنش کشورهای غربی را برای منحرف کردن انقلاب مردم این کشور باعث شده است.